گفت‌وگوی «جوان» با برادر شهید امنیت روح‌الله عالی
فرمانده گردان ۴۰۹ حمزه سیدالشهدا(ع)

جهاد در جبهه امنیت تمامی ندارد

زینب محمودی عالمی

همین چند روز پیش بود که خبر دیدار خانواده شهدای امنیت با مقام معظم رهبری منتشر شد. ایشان در این دیدار فرمودند که شهدای امنیت در زمان حیاتشان مثل یک شهید عمل کرده‌اند. سرگرد پاسدار روح‌الله عالی نیز از شهدای امنیت است که ۲۱ فروردین سال ۱۳۹۶ توسط دو تن از اشرار معروف منطقه کورین به شهادت رسید. شهید عالی فرمانده گردان ۴۰۹ حمزه سیدالشهدا(ع) از تیپ ۱۱۰ سپاه سلمان استان سیستان و بلوچستان بود. رضا عالی عموی وی نیز از شهدای دفاع مقدس است. آنچه می‌خوانید حاصل همکلامی ما با امین عالی برادر شهید است که خود وی نیز از جانبازان راه امنیت به شمار می‌رود.

شهید عالی در سیستان خدمت می‌کردند، خودتان هم اهل همین خطه هستید؟

پدرم اصالتاً اهل یکی از روستاهای زاهدان است. برادرم هم در شهر زاهدان به دنیا آمد. اصالتاً سیستانی ولی بزرگ شده زاهدان هستیم. دو برادر بودیم و چهار خواهر. پدرم استاد بناست. روح‌الله به عنوان فرزند اول خانواده شغل پاسداری را انتخاب کرد و من هم به تبعیت از ایشان پاسدار شدم.

گویا سابقه ایثارگری در خانواده شما از قبل وجود داشت؟

عموی ما شهید رضا عالی سوم تیرماه سال ۱۳۴۵ متولد شد و چهارم تیرماه ۱۳۶۷ در حالی که ۲۲ سال بیشتر سن نداشت به عنوان داوطلب بسیجی در شلمچه به شهادت رسید. هشت سال پیکرش مفقود بود و بعدها تفحص شد و به خانه برگشت. وقتی پیکر عموی شهیدمان به آغوش خانواده بازگشت، من کودک بودم و برادرم روح‌الله به سن نوجوانی رسیده بود. شهید و شهادت در آن سنین ملکه ذهن ما شده‌بود. من هفت سال از روح‌الله کوچک‌ترم. عموی شهیدمان را ندیدم. موقعی که به دنیا آمدم عمو در شلمچه مفقودالاثر شده بود و موقعی که بزرگ‌تر شدم یادم می‌آید در خانه پدربزرگم را باز کردند و از بنیاد شهید خبر آوردند که پیکر عمو را آورده‌اند. هر موقع با برادرم به مزار عموی شهیدمان می‌رفتیم، یک قبر خالی کنار قبر عمورضا بود. داداش گریه می‌کرد و در آخر زمزمه‌کنان به عمو می‌گفت: خدا کند قبر کنارت به من برسد. بعد از چند سال آن قبر نصیب خودش شد.

برادر تان چه سالی عضو سپاه شدند؟

روح‌الله در ابتدا راننده آمبولانس سپاه بود و مدتی بعد در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع) تهران قبول شد. سال ۱۳۸۵ به عنوان افسر سپاه پاسداران در دانشگاه امام حسین(ع) آموزش دید. همان سال خدمتش را در تیپ نیروی مخصوص ۱۱۰ سلمان‌فارسی شروع کرد. بعد از مدتی به عنوان مسئول تحلیلی برنامه‌ای در عملیات بود. بعد سمت جانشین گردان میرجاوه را عهده‌دار شد. از آنجا هم فرمانده گردان ۴۰۹ حمزه سیدالشهدا(ع) شد. بعد از دو سال در همین کسوت فرماندهی گردان به شهادت رسید. بیست‌و یکم فروردین سال ۱۳۹۶ مصادف با شب ولادت امام علی (ع) و روز پدر بود که خبر شهادتش را آوردند.

نحوه شهادتشان چطور بود؟

آن روز برادرم به عنوان فرمانده گردان بخش کورین از توابع شهرستان زاهدان به همراه نیروهایش در مسیر زاهدان به کورین در حال انجام مأموریت و تأمین امنیت بودند که به خودرویی مشکوک می‌شوند. وقتی دستور ایست و بازرسی می‌دهند، لباس نظامی بر تن داشتند. از افراد داخل خودرو که بعدها مشخص شد از اشرار معروف منطقه بودند تقاضای مدارک شناسایی می‌کنند. ناگهان دو شرور به طرف برادرم شلیک می‌کنند و ایشان به سختی مجروح می‌شود. کمی بعد هم بر اثر جراحات وارده به شهادت می‌رسد.

انتظار شهادت روح‌الله را داشتید، آن هم زمانی که ظاهراً جنگی در کار نبود؟

وقتی شما در مناطق مرزی خدمت می‌کنید باید انتظار هر چیزی را داشته باشید. جنگ با اشرار و قاچاقچی‌ها و گروهک‌های ضد انقلاب تمامی ندارد. در مورد روح‌الله هم باید بگویم که چون خودم نظامی هستم از همکاران شنیده بود مدتی قبل برادرم و نیروهایش محموله مواد گرفته بودند. یک روز که به جلسه رفته بودم، روح‌الله را دیدم. به من گفت می‌خواهم به منزل پدر بروم و آنها را ببینم. بعد به گردان برمی‌گردم. موقعی که او را به منزل پدرمان می‌بردم، گفتم: داداش! قضیه فلان تهدید چیست؟ شنیده بودم اشرار او را چندین بار تهدید کرده‌اند. چند شبی هم بود که بابا شب‌ها از خواب می‌پرید و می‌گفت من هر لحظه فکر می‌کنم اشرار کمین کرده‌اند و روح‌الله را شهید می‌کنند. خلاصه آن روز خیلی با روح‌الله صحبت کردیم که مراقب خودش باشد. روح‌الله می‌گفت من مراقب خودم هستم اما نگران خانواده و بچه‌هایم هستم. می‌ترسید اشرار به خانواده‌اش صدمه بزنند. به فکر خودش نبود و نگرانی خانواده را داشت. روح‌الله می‌گفت وقتی لباس پاسداری و دفاع از اسلام را به تن کردم فکر همه چیز را کردم. با خدا معامله کردم و شهادت آرزویم است. برادرم آدم ساکتی بود و علاقه زیادی به نماز و بسیج داشت. هیچ موقع عصبانیت در چهره‌اش ندیدم. دوستانش تعریف می‌کردند حتی در لحظات پایانی عمرش وقتی به او می‌گویند انتقامش را از ضرابین گرفتیم، روح‌الله لبخندی می‌زند و به شهادت می‌رسد.

گویا شما هم از جانبازان راه امنیت هستید؟

بله، من ۱۸ شهریور سال ۱۳۹۳ وقتی از مأموریت بازارچه مرزی میل ۱۶۷ بر می‌گشتم با تله انفجاری اشرار برخورد کردیم که از ناحیه کتف و کمر و اعصاب و روان مجروح شدم.

> به دلیل شرایط کاری روح‌الله خانواده آمادگی داشتند که در آینده نزدیک خبر شهادتش را بشنوند. در واقع می‌دانستیم او رفتنی است. روح‌الله به مادرمان می‌گفت: من لیاقت شهادت را ندارم ولی شما را به صبر حضرت زینب(س) قسم می‌دهم که اگر لایق شدم و به شهادت رسیدم، افتخار کنید. گریه نکنید و دشمن ما را شاد نکنید

برادر تان فرزندی هم داشتند؟

روح‌الله متأهل بود و دو فرزند به نام‌های محمدعرفان و محمدسبحان دارد. یکی‌شان هفت ساله و آن یکی چهار ساله است.

بعد از شهادتشان، خانواده و خصوصاً بچه‌های شهید چطور با این موضوع برخورد کردند؟

به دلیل شرایط کاری روح‌الله خانواده آمادگی داشتند که در آینده نزدیک خبر شهادتش را بشنوند. در واقع می‌دانستیم او رفتنی است. روح‌الله به مادرمان می‌گفت: من لیاقت شهادت را ندارم ولی شما را به صبر حضرت زینب(س) قسم می‌دهم که اگر لایق شدم و به شهادت رسیدم، افتخار کنید. گریه نکنید و دشمن ما را شاد نکنید. روح‌الله مثلی خیلی از شهدای دیگر دست به خیر داشت. اما این را طوری انجام می‌داد که کسی متوجه نشود. من هم از کار خیرش خبر نداشتم ولی مدتی دنبال این بودم که خاطرات برادرم را جمع‌آوری کنم. یکی از بچه‌های گردان مشکلی داشت و کسی نمی‌دانست که روح‌الله غیرمستقیم به او کمک می‌کرده است. بعد از شهادتش متوجه شدند که شهید مخفیانه دست خیر داشت. من دوبار خواب برادر شهیدم را دیدم. یک بار اربعین سال گذشته بود که خواب یکی از همکاران را دیدم. روح‌الله هم بود. به برادرم گفتم: روح‌الله او را می‌شناسی؟ خندید و گفت: سلام من را به او برسان. موقعی که از خواب بیدار شدم با آن بنده خدا تماس گرفتم. جالب این است داخل حرم حضرت علی (ع) مشغول زیارت بود. وقتی به دوستم گفتم من خواب روح‌الله را دیدم. دوستمان گفت: امین باورت می‌شود من در نجف اشرف داخل حرم حضرت علی(ع) هستم و برای روح‌الله دعا می‌کردم. امسال اربعین وقتی راهی کربلا شدم فکر می‌کردم داداش تا لحظه آخر کنارم ایستاده است. گاهی حس می‌کنم کنارم هست. فهمیدم شهدا زنده‌اند و نظاره‌گر ما هستند. شهدای امنیت از شهدای مظلوم کشورمان هستند که باید تلاش کنیم آنها را به جامعه و نسل جوان معرفی کنیم. از شما هم به خاطر این تلاش تشکر می‌کنم.

سخن پایانی.

دل‌نوشته‌ای از همسر شهید امنیت روح‌الله عالی

شب‌ها که از نیمه می‌گذرند داغ نبودنت جگرم را پاره پاره می‌کند. می‌دانم علی‌الظاهر نیستی! که در حقیقت از همیشه بیشتر هستی!

وقتی اراده دیدنت را می‌کنم به ناگاه به عناوین مختلف بودنت و دستگیری کردنت را به رخم می‌کشی...

روح‌الله جان! بیا و بنگر... چه کسانی دم از توی شهید می‌زنند. اینان دو دسته‌اند:

دسته اول: کسانی که تمام دغدغه زندگی و عمرشان شهید و شهادت است، کسانی که در عمل، در گفتار، در منش، در عشق ورزیدن به شهید همواره خدا را در نظر دارند. هم اینان در واقع امر ادامه‌دهنده راه شهید هستند و دامان و قلب و روح خود را با گل تقوا آراسته‌اند و خود را آماده پرورش سربازان آخرالزمانی سیدالشهدا می‌کنند.

شهدا رفته‌اند... تا به ما بفهمانند دنیا محل گذر و مزرعه آخرت است. آنچه از این دنیا با خود می‌بریم مهم است من جاءالحسنه...

فله عشر امثالها...

نه آنچه انجام می‌دهید...

خداوند نفرموده... من فعل الحسنه... این یعنی: بسیاری از کارهایی که فکر می‌کنیم حسنه است و مرضی خداوند منان، حقیقت ظلماتی است که در همین دنیا می‌ماند و ما را با دست خالی به سوی آخرت روانه می‌سازد.

وادی کتاب

نگاهی به کتاب «مشارکت اجتماعی در جنگ تحمیلی»

سرمایه‌های اجتماعی یار و یاور جبهه‌های جنگ

احمد محمدتبریزی

در دوران دفاع مقدس با وجود تمام سختی‌ها و مشکلات، مشارکت اجتماعی مردم در بالاترین حد خود قرار داشت. مردم ضمن حضور در جبهه‌های نبرد، در پشت جبهه‌ها نیز هر چه داشتند در طبق اخلاص می‌گذاشتند و بهترین پشتیبانی را از رزمندگان انجام می‌دادند. سرمایه اجتماعی به وجود آمده در آن سال‌ها بزرگ‌ترین یار و یاور نیروهای رزمی بود؛ سرمایه‌ای که اجازه ناامیدی به کسی نمی‌داد و همه را پای کار می‌آورد.

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس در یکی از تازه‌ترین کتاب‌هایش با عنوان «مشارکت اجتماعی در جنگ تحمیلی» با بررسی ۱۴ مقاله نگاهی به مقوله مشارکت مردم در سال‌های حساس جنگ داشته است. این کتاب که به اهتمام «یحیی نیازی» نوشته شده است سعی کرده در قالبی پژوهش‌محور نگاهی به جلوه‌های مختلف مشارکت اجتماعی در دفاع مقدس داشته باشد. تاسیس بسیج مستضعفین یکی از نخستین حرکت‌های اجتماعی مهم برای سپردن نقش‌های مهم به مردم بود. انقلاب اسلامی که با حمایت مردم به پیروزی رسیده بود از همان سال‌های نخستین اقشار مختلف را پای کار آورد. نگاه مسئولان این بود که همه کارهای کشور را به دست خود مردم بسپارند. سرعت پیشرفت بسیج هم چشمگیر بود و یک ماه و نیم پس از فرمان امام جهت تاسیس بسیج ۵میلیون نفر آموزش‌های لازم جهت حضور در میادین مختلف را دیده بودند. در آن روزها فقط توجه به مسائل نظامی مطرح نبود بلکه برقراری نظم در خیابان‌ها یا انجام کارهای فرهنگی جهت صرفه‌جویی یا تلاش در تولید بخش‌های صنعتی و کشاورزی از کارهای دیگری بود که به مردم واگذار شده بود.

یکی از بخش‌های جالب کتاب بر مشارکت زنان در جنگ ایران و عراق اشاره دارد. زنان در دوران دفاع مقدس یکی از نیروهای تاثیرگذار بودند که هم در پشت جبهه و گاهی هم در صحنه نبرد حضور داشتند. طبق آمار بنیاد شهید زنان در هشت سال دفاع مقدس بیش از ۴ هزار جانباز یا آزاده و تعداد ۴هزار و ۳۶۳ نفر شهید تقدیم جامعه اسلامی کردند که به هیچ عنوان رقم کمی نیست و نشان از فعالیت و حضور بالای زنان دارد. زنان همچنین نقش فرهنگی، تبلیغی و عاطفی هم داشتند که به اختصار درباره این بخش از فعالیت زنان توضیحاتی ارائه شده است.

پرداختن به جنگ شهرها و واکنش مردم به حملات دشمن یکی دیگر از بخش‌های جالب توجه کتاب است. ارتش بعث جنگ شهرها را با هدف ایجاد رعب و وحشت و فرسایش و تضعیف اراده مردم آغاز کرد و به دنبال قطع پشتیبانی مردم از جبهه‌ها بود. نقشه‌ای که کاملاً نتیجه عکس داد و به نقطه اتکا و اتحاد مردم تبدیل شد. جنگ شهرها در چند مقطع از سال ۱۳۶۳ شروع شد و تا آخرین سال جنگ ادامه پیدا کرد. هر چند قبل از سال ۱۳۶۳ نیز دشمن جنگ را با حمله به مناطق غیرنظامی شروع کرد و در همان سال ۱۳۵۹، ۴۱۳ بار به شهرهای ایران حمله کرد.

کتاب در بخش‌های دیگری به نقش رزمندگان ازنایی در دفاع مقدس، نقش پیشمرگان مسلمان کرد و معرفی سه شهید می‌پردازد؛ موضوعی که در رابطه با کتاب شاید کمی توی ذوق بزند و عدم‌انسجام میان فصل‌های کتاب است. کتاب چهار فصل دارد که ارتباط محتوایی زیادی با هم ندارند. اگر روی فصل‌های نزدیک به هم تمرکز می‌شد کتاب شکل منسجم‌تری به خود می‌گرفت و از این آشفتگی درمی‌آمد.

موضوع مشارکت اجتماعی در جنگ تحمیلی به قدری گسترده و متنوع است که می‌توان چندین کتاب جذاب درباره‌اش نوشت. بحث وجود سرمایه‌های اجتماعی در دفاع مقدس از مقولات مهمی است که با پایان یافتن جنگ مغفول مانده و کمتر به آن پرداخته شده است و جای کار بسیاری دارد. برای مثال می‌توان در رابطه با بحث حضور زنان، نقش گروه‌های مردمی یا ایده و ابتکارات مردم در آن روزهای سخت یک کتاب مجزا نوشت. کتاب‌هایی که با نگاه تحلیلی و پژوهشی و مبتنی بر آمار و اسناد می‌توانند بخش عظیمی از ناگفته‌های دفاع مقدس را برای مردم بازگو کنند.

> پرداختن به جنگ شهرها و واکنش مردم به حملات دشمن یکی از بخش‌های جالب توجه کتاب است. ارتش بعث جنگ شهرها را با هدف ایجاد رعب و وحشت و تضعیف اراده مردم آغاز کرد و به دنبال قطع پشتیبانی مردم از جبهه‌ها بود. نقشه‌ای که کاملاً نتیجه عکس داد و به نقطه اتکا و اتحاد مردم تبدیل شد. جنگ شهرها در چند مقطع از سال ۱۳۶۳ شروع شد و تا آخرین سال جنگ ادامه پیدا کرد

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۵۲۷

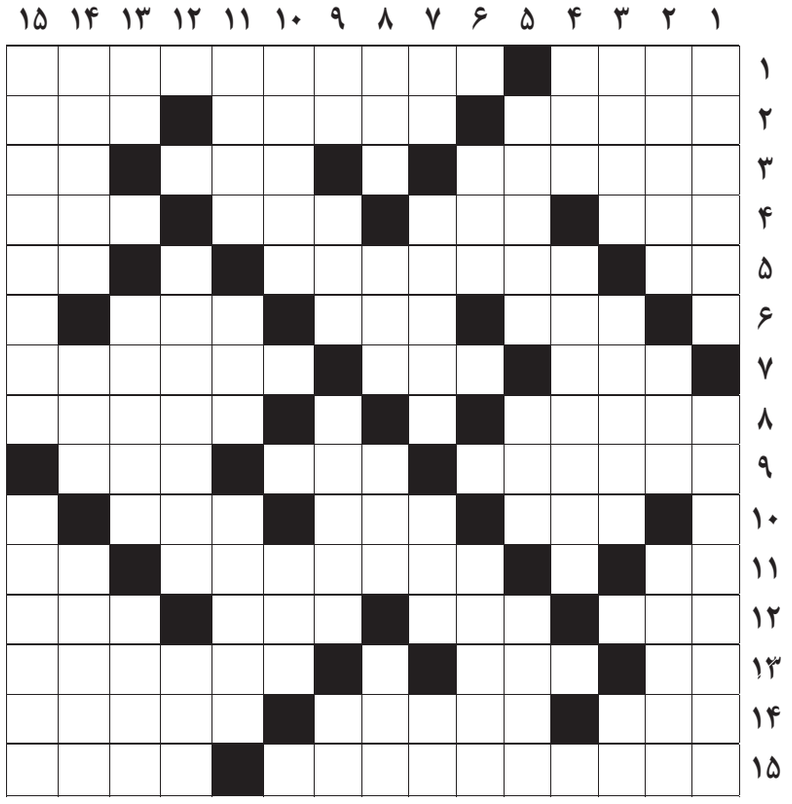

از راست به چپ

■ ۱-جذاب-رگ نگاری ■ ۲-سگ معروف فضانورد-مفتش-شیرینی کرمانشاه ■ ۳-دست به یقه-کشت به امید باران-راه شاعرانه ■ ۴-پایتخت اتریش-کاهگل-نوعی قبا-کوشک ■ ۵-یادداشت-صمیمی ترین اجتماع بشری-ورزش مادر ■ ۶-آتشدان حمام-از نمازهای واجب-پول تایلند ■ ۷-قضای حتمی الهی را تغییر می‌دهد-گروه اسبان-شهری در استان سمنان ■ ۸-گاری-نام قدیم شهر تیسفون ■ ۹-ساخلو-ضربه‌ای در تنیس-مقابل کاتد ■ ۱۰-زباندار بی زبان-ماه آتشین-خالص ■ ۱۱-پایتخت ایتالیا-کمک و اعانت-نت بیمار ■ ۱۲-هراس-از سازهای موسیقی-قلمه درخت-نظرات ■ ۱۳-من و تو-زمین درختکاری شده-نسبت ضلع مجاور بر وتر ■ ۱۴-جایی برای نگهداری چهارپایان-نوعی فرش نازک-دستگاه گیرنده صوت ■ ۱۵-کتابی شامل خطبه‌ها، نامه‌ها و جملات کوتاه حکیمانه امام علی(ع)-بعضی‌ها با آن هزار سودا دارند

از بالا به پایین

■ ۱-سرخاب-ساختمان چند طبقه ■ ۲-کلمه آرزو-زنگ-شهر رصدخانه ■ ۳-سرسبزی-بالانس-یکدندگی ■ ۴-بازگشت صدا-محل استراحت دانشجویان در دانشگاه ■ ۵-پیشگاه خانه-سرسرا-شتابان ■ ۶-صندلی سوارکار-مخلوط آب و آهک ■ ۷-غرور-ماده‌ای سیاه رنگ برای جلوگیری از تجزیه اجساد-رهبر سوریه-پوشش چهارپا ■ ۸-سخن بیهوده-طایفه-خوشی-مرزبان ■ ۹-خار سر دیوار-سختی-نباش-روحانی زرتشتی ■ ۱۰-چوب پهن کردن خمیر-دندن تیز جوندگان ■ ۱۱-روانه شدن-آن سوی سقف-تمام و همه ■ ۱۲-نهادی که وظیفه محافظت و نگهبانی جاده‌ها را برعهده دارد-تابستان آذری ■ ۱۳-آفت-دوبیتی-ناچیز ■ ۱۴-واحد سنجش ظرفیت خازن-چاره و علاج-ضربه شروع در والیبال ■ ۱۵-متحیر و متعجب شدن-جزوه دان

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

				۴	۵	۳	۷	
۹		۶						
				۷		۸		
	۲		۵		۶			
		۵				۴	۸	۶
	۳	۷				۱		
۳					۹			
			۲				۵	۴
	۵	۸						

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۵۵۲۶

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ا	د	ا	م	ا	س	م	ی	ت	■	م	ا	ر	و	ن
۲	ن	■	ک	م	ب	ر	س	ی	■	م	ر	ف	ه	■	ه
۳	د	ا	■	د	ی	ا	ن	■	ت	ی	ت	ر	■	ت	ن
۴	ا	و	ا	■	س	ی	■	م	و	■	ب	ا	ل	ن	گ
۵	م	ا	س	ک	■	ت	ن	ا	س	ب	■	ز	ی	و	س
۶	ی	ک	ر	ا	ن	■	ب	ی	ن	و	ا	■	س	ی	ف
۷	■	س	ا	ف	ت	ب	■	ا	ل	■	د	م	ه	■	ی
۸	ا	■	د	ک	ا	ک	ت	■	■	م	ل	ا	ی	م	د
۹	ب	ی	■	ا	ی	ت	■	م	ا	ر	م	■	ه	ی	■
۱۰	ر	ب	ا	ن	■	ش	ه	ر	ا	ن	■	ت	ن	س	خ
۱۱	ت	ن	ب	و	ر	■	م	س	■	ت	ر	■	ت	ا	ش
۱۲	م	د	■	ر	ا	س	ت	■	ا	م	ا	ن	■	ل	ی
۱۳	ا	■	ل	ی	و	ن	■	ف	ی	ل	س	و	ف	■	ا
۱۴	ن	ی	م	ا	ر	■	ش	ل	ه	ف	ل	م	ک	ا	ر
۱۵															